

## نماز و نیاز (۷)

برداستی از:

بسم الله الرحمن الرحيم

ما مسلمانها عادت کرده ایم وقتی لب به سخن می‌گشائیم، قلم بر صفحه ای می‌گذاریم، یا اقدام به عملی می‌کنیم، به یاد و نام خدا آغاز می‌کنیم. اما "بسم الله الرحمن الرحيم" این صفحه، علاوه بر منظور فوق، عنوان این مقاله و موضوع آن نیز محسوب می‌شود.

می‌خواهیم بیش از تکرار یک عادت، که ممکن است به معنا و مفهوم آن هم توجه نکرده باشیم، محتوا و مقصود آنرا بهتر بشناسیم تا توسل به نام خدای مهربان، تاثیر عمیق‌تر و آگاهانه‌تری بر تلاشهای روزانه مان بگذارد.

در وطن عزیزمان ایران، توده‌های مردم تحت تاثیر تبلیغات و تلقینات رسمی، چنین باور کرده‌اند که باید قبل از هر اظهار نظری ابتدا یک "بنام خدا" بگویند. شما این عادت را در بیشتر مصاحبه‌های تلویزیونی درباره شرکت در انتخابات، گزارش‌های ورزشی، کار و کسب و مسائل پیش‌پا افتاده زندگی روزانه ملاحظه می‌کنید که بعضا حالت مبتذل و موهن هم پیدا می‌کند! اما حضرت علی (ع) تاکید کرده‌اند: "نام خدا را بزرگتر از آن بشمار که جز در مورد حق یاد کنی" (۱)، (۲)

آغاز کردن امور با بسم الله ... کاری تشریفاتی نیست، پیک و پیامی دارد که باید آنرا جدی گرفت. وقتی نوار راه اندازی کارخانه یا تاسیساتی را قیچی میکنند، یا کلنگ افتتاح عملیاتی را به زمین می‌زنند، بنام نامی کدام اعلیحضرت! و رهبر و یا در پیروی از منویات کدام مقتدر آغاز میکنند و برای او کف می‌زنند یا صلوات می‌فرستند؟!

در طول تاریخ همواره همه حمدها و هنرها و همت‌ها به حساب قدرتمندان زمانه گذاشته می‌شده، همواره یاد و نام آنها در شروع و ختم کارها برده می‌شده و همواره سپاس‌ها بسوی سلاطین یا ارباب انواع، بت‌ها و خدایان ساختگی نثار می‌شده است.

این چه رمزی است که موسی (ع) در رسالت فرعون ستیزی، معاونت برادرش هارون را از خداوند تقاضا میکند، تا باتفاق یکدیگر "او را بسیار تسبیح و ذکر کنند؟! (۳)

آیا مفهوم کلمات تسبیح و ذکر، جز پاکسازی جامعه از آثار استبداد فرعون و جایگزینی یاد و نام خدا، بجای یاد و نام فرعون بوده است؟

این اتفاقی نیست که ساحران درباری، به عنوان اندیشمندان زمانه، وقتی ریسمانهای قلبی خود را در مصاف با حضرت موسی به زمین افکنند، گفتند: "به عزت فرعون سوگند که ما قطعاً پیروز شدگانیم" (۴) و (۵) در روزگار ما هم که کم و بیش بساط ظاهری سلاطین برچیده شده است، مفاهیم مجرد و موضوعات دیگری جایگزین شده است. فی المثل بنام ملت آغاز به سخن می کنند، یا به نام آزادی، عدالت، عشق و ... هر چند این اصول و ارزش ها به مراتب بالاتر از بیماری شخص پرستی است، ولی باز هم در افق ارزش ها و اشتغالات ذهنی بشر متوقف می شود.

آیا هرگز توجه کرده اید اولین جرقه وحی در غار حراء بر پیامبر اسلام، یعنی اولین خطابی که از خدا بر محمد (ص) نازل شد، چه پیامی داشت و حامل چه رهنمودی بود؟ ... محمد (ص)، چه چیز را، و به "نام چه کسی باید می خواند؟!

اقراً باسم ربك الذی خلق

مشرکین معاصر پیامبر اجمالاً به "الله" معتقد بودند و با "بسم الله" مشکلی نداشتند، اما گمراهی آنها در "توحید" و نسبت دادن "ربوبیت" او به واسطه ها، از جمله "فرشتگان" و "بت ها" بود. به همین دلیل، در اولین الهام در غار حراء، خداوند بنده برگزیده خود را به خواندن "اسم رب" دعوت می کند تا حقیقتی را که برای مردم مجهول مانده بود دریابد.

خواندن "اسم رب"، خواندن لفظ و کلمات نوشته شده نبود، این الفاظ ظاهری را هر کسی که با قواعد قرار دادی زبان شناسی آشنا باشد، میتواند بخواند. اما محمد (ص) که به تعبیر قرآن خط نوشته و درس نخوانده (امی) بود، مامور بود علائم و آثار، یعنی آیات ربوبیت را، نه با چشم ظاهری، که با چشم دل و بصیرت قلبی خود بخواند و دست ربوبیت او را در صحنه طبیعت ببیند، که این نوع خواندن و این شیوه "قرائت" (۶) با قلب سر و کار دارد.

اما "ربوبیت" را رشته ها و ریشه های بی شماری است و کلمات خدا بی نهایت است (۷)، او کدام کلمه را باید میخواند و کدام اثر از آثار بیکران ربوبیت را باید قرائت میکرد؟

اقرا باسم ربك الذي خلق

محمد (ص) می بایست دست ربوبیت خدا را در "خلقت" می خواند و آثار آفرینش او را در وجود "انسان" که از نطفه ناچیزی آفریده شده است، می خواند!

اقرا باسم ربك الذي خلق، خلق الانسان من علق

باین ترتیب، اگر مردمان روزگار، همواره به یاد و نام بزرگانی که سربرآستان آنها می ساینند آغاز می کنند، پیامبر اسلام مامور بود به "نام" رب، یعنی رئیس و روزی رسان و رهبر و رحمت کننده بر عالمین آغاز کند.

این رشته سر درازی دارد و آغاز کردن امور به "نام خدا" از همان نخستین پیامبر "الوالعزمی" که ندایش در تاریخ طنین یافته است شنیده میشود.

قرآن سخن حضرت نوح(ع) را نیز برای ما نقل کرده است که وقتی فرمان خدا رسید و سیل آب همه جا را فرا گرفت، برای حفاظت در برابر امواج کوه پیکر دریا، یارانش را به سوار شدن در سفینه ای که حرکت و توقف اش با "بسم الله" است دعوت کرد:

قال اركبوا فيها بسم الله مجريها و مرسيها ان ربي لغفور رحيم (۸)

به راستی انگیزه حضرت نوح و مقصود او از بیان این سخن چه بود؟ آیا توصیه به تکرار این لفظ برای نجات از طوفان داشت، یا می خواست مومنین را به این حقیقت آگاه سازد که جریان یافتن کشتی در دل امواج سهمگین و لنگر انداختن و توقف آن در سایه "بسم الله" یعنی اراده و مشیت خداست.

نامه حضرت سلیمان (ع) به ملکه سبا را احتمالا در قرآن خوانده اید و میدانید که متن نامه و حرف اول و آخر آن همین جمله "بسم الله الرحمن الرحيم" بوده است!! گویا پیام زیرکانه حضرت سلیمان به ملکه سرزمینی که خورشید را میپرستیدند و این کانون نور و حرارت را قبله توجهات و صاحب رزق و رحمت خود میدانستند، متوجه ساختن آنها به کانون اصلی جهان، یعنی خدائی که رحمن و رحیم از صفات اوست، بوده است.

و اتفاقا ملکه سبا با تیزی و فراستی که داشت، از همین جمله به پیام عمیق سلیمان پی میبرد و با شگفتی به بزرگان کشوری و لشکری خود می گوید:

"نوشته ای بس گرامی (کریم) بمن رسیده است، نامه از سلیمان است و (متن) آن بسم الله الرحمن الرحيم است، (واینکه) در صدد برتری جوئی بر من نباشد و در حال تسلیم (به خدا) نزد من آئید". (۹)

به راستی حضرت سلیمان در این جمله کوتاه چه حقایق عظیمی را می دید و ملکه سبا چه برداشتی از آن کرده بود که سرانجام در سایه اش آرمید و سرنوشت ملتی را با تسلیم به خورشید حقیقی عالم وجود تغییر داد؟

## مفهوم اسم

ما فارسی زبان ها از کلمه "اسم" درکی معادل لفظ و نام معرفی کننده داریم، اسامی که برای فرزندان خود یا نام خانوادگی، نام خیابانها، پارک ها و سایر اماکن انتخاب می کنیم. الزاماً ارتباطی با عملکرد و صفات آنها ندارد و کاملاً ذوقی و سلیقه ای برگزیده می شود. فی المثل در اصطلاح عامیانه کور را "عین علی" و کچل را "زلفعلی" می نامیدند!!

اما خداوند که "اسماء" را به آدم آموخت، ماهیت اشیاء، از جماد و گیاه و حیوان در عالم ماده گرفته تا انرژی ها را باو آموخت (یا استعداد آموزش آنها در بعد زمانی را بآدم الهام کرد). وقتی خداوند نام "یحیی" را به "زکریا" مژده می دهد و می گوید تاکنون چنین نامی را بر کسی ننهاده ام، منظورش نام ابتکاری زیبایی نبود، بلکه یحیی از کلمه "حیات" به معنای کسی است که جامعه را زنده و بیدار و احیاء میکند. همینطور نام "احمد" که حضرت عیسی در معرفی پیامبر بعد از خود عنوان کرده بود (۱۰)، صفت او را که "احمد" یعنی ستوده تر (بصورت تفضیلی مثل اکبر=بزرگتر) بوده مطرح می کند تا نشان دهد او "برترین" خواهد بود. نام "مریم" و نام "عیسی" و "موسی" نیز تماماً معنای معینی دارند که بازگو کننده شخصیت آنها بوده است.

## چرا "الله" !؟

الله نام جامع صفات خداوند است نه گویای ذات او. چرا که ذات او برتر از قدرت فهم و درک و حتی تصور و وهم ماست، آنچه در قلمرو شناخت ماست، همان صفات و اسماء نیکوی اوست که در آفاق و انفس جلوه کرده است. اله در لغت، از "آله" بمعنای تحیر و تضرع و آرامش و عبادت آمده است. الله که (با الف و لام)

معرفه شده "اله" است، اشاره به معبود یکتای مشخص دارد که انسانها در برابرش متحیر و پرستنده و شیدا هستند.

در جمله "بسم الله الرحمن الرحيم" که در آغاز همه سوره های قرآن تکرار شده است (هر چند فقط یکبار در سوره حمد به پیامبر نازل شده)، به صفتی اشاره میکند که قرآن و هدایت بشر از آن ناشی شده است. یعنی رحمت و دلسوزی، یعنی این کتاب دعوت کننده به عشق و محبت و دلسوزی و دوست داشتن است، نه دشمنی و کینه و سرکوب مخالفین.

علاوه بر رحمن و رحیم، صفات مزدوج دیگری همچون غفور رحیم، عزیز الحکیم، واسع علیم، سمیع بصیر و ... در قرآن آمده است. جامع تر از همه، سه آیه انتهای سوره "حشر" است که جمعاً به ۱۹!! نام نیکوی الهی ردیف وار اشاره شده است. در قرآن ۴۰ بار جمله توحیدی "لا اله الا الله" تکرار شده است که بجای الله در مواردی صفات دیگر او را (همچون حی القيوم، عزیز الحکیم) نشانده است و در موارد متعددی نیز فقط به "هو" (او) اشاره کرده است.

---

۱- نهج البلاغه نامه ۶۹ (فصل ۵) و عظم اسم الله ان تذکره الاعلی الحق

۲- به تعبیری که در دعای منقول از حضرت سجاد (ع) برای روز شنبه در آغاز هفته آمده است، "بسم الله"، کلام "معتصمین"، یعنی پناهندگان به خدا و گفتار "متحرّزین" یعنی کسانی است که به جوار حفظ و حمایت او خود را سپرده اند، پس نباید چنین سخنی را رایگان و نفهمیده و از روی عادت به زبان آورد.

۳- سوره طه آیه ۳۴

۴- سوره شعرا آیه ۴۴- و قالوا بعزة فرعون انا لنحن الغالبون.

۵- البته عارفانی هم میگفتند:

بنام آنکه هستی نام از او یافت همه بالا و پستی نام از او یافت.

۶- قرائت از ریشه "قرء" به معنای جمع کردن و وحدت بخشیدن به اجزاء پراکنده است. همچنانکه خواندن را از آن جهت قرائت می گویند که حروف و کلمات در کنار هم جمع می شوند.

۷- به سوره لقمان آیه ۲۷ مراجعه کنید

٨- هود آيه ٤١

٩- سوره نحل آيات ٢٩ تا ٣١- قالت يا ايها المملأ انى القى الى كتاب كريم - انه من سليمان و انه بسم الله

الرحمن الرحيم - الا تعلوا على و اتونى مسلمين

١٠- سوره صف آيه ٦